

## دوستی مادران و پسران



آیا اولین لحظه آرامی را به یاد می‌آورید که نوزادتان در آغوشتان آرمیده بود و شما اولین فرصت واقعی را برای تماشای او به دست آوردید و به صورت و بدن کوچکش خیره شدید؟ گاهی مادران مدتی طول می‌کشد... که بپذیرند واقعا یک پسر دارند

## دوستی مادران و پسران

بیشتر زنان می‌گویند که نوزاد دختر احساس اعتماد به نفس و آرامش بیشتری به آنها می‌دهد. آنها حس می‌کنند که به صورت ذاتی می‌دانند با نوزاد دختر چطور برخورد کنند. اما یک پسر! پس از تولد پسر، بیشتر اوقات می‌شنویم که مادران با وحشت می‌گویند که نمی‌دانند با یک پسر چگونه رفتار کنند

## چگونه از نوزاد پسرمان مراقبت می‌کنیم

تمام نگرش‌ها و عقاید اولیه ما درباره مردان، در مراقبت روزمره ما از پسرانمان منعکس می‌شود: هر بار که برای کمک به کودکان به سرعت به سراغشان می‌رویم یا اجازه می‌دهیم خودشان کار را انجام دهند؛ هر بار که آنها را تشویق می‌کنیم یا از کاری باز می‌داریم؛ هر بار که آنها را به گرمی در آغوش می‌گیریم یا به آنها اخم می‌کنیم و از آنها دور می‌شویم. تمام واکنش‌های ما ناشی از نگرش‌های درونی ما نسبت به داشتن یک نوزاد (و داشتن یک نوزاد پسر) است

اگر برخوردی همراه با کنجکاوی داشته باشید و بخواهید درباره دنیای پسران بیاموزید و آن را درک کنید، کمک بزرگی کرده‌اید. خوب است که از شوهر یا برادر تان اطلاعاتی در این مورد کسب کنید. گاهی اوقات شما فقط به دانش کاربردی نیاز دارید

## مادرها به یادگیری در مورد جنس مخالف کمک می‌کنند

مادر چیزهای زیادی درباره زندگی و عشق به پسر می‌آموزد. او به صورت بی‌نظیری می‌تواند به پسرش کمک کند تا در مقابل جنس مخالف اعتماد به نفس به دست آورد

مادر «اولین عشق» پسر است و باید ملایم و احترام‌آمیز و سرزنده باشد، بدون آنکه بخواهد بر او تملک یابد یا بر دنیای او غلبه کند. وقتی پسر به سن مدرسه می‌رسد، مادر او را تشویق و کمک می‌کند تا دوستانی پیدا کند و در آینده باید در مورد برخورد صحیح با دخترها نکاتی را به او بیاموزد. حتماً تصدیق می‌کنید که امروزه ایجاد رابطه با جنس مخالف به کمک نیاز دارد. مادر می‌تواند به پسرش کمک کند در مقابل دخترها یا زن‌ها احساس آرامش داشته باشد. او می‌تواند به پسرش بیاموزد که در آینده با همسر خود چگونه برخورد کند و چگونه ارتباط کلامی مناسبی داشته باشد. والد جنس مخالف اغلب برای کودکان، کلید عزت نفس است. دختران نوجوان نیاز دارند که با تشویق پدرانشان تصویری ذهنی به عنوان فردی باهوش و جالب از خود داشته باشند. پدر می‌تواند حتی به آنها بیاموزد که چگونه لاستیک اتومبیل را عوض کنند، در اینترنت جستجو کنند یا ماهی بگیرند.

### ارائه تصویر فردی مناسب

برخی از پسرها هنگامی که به سن دبیرستان می‌رسند، به‌طور ناراحت‌کننده‌ای خجول می‌شوند. ظاهراً آنها از اینکه جنس مذکر هستند، بزرگ و پر از هورمون هستند، خجالت می‌کشند. مادران می‌توانند برای غلبه بر این حس، کمک موثری باشند. برخی مادران از سن ده سالگی به بعد جملات زیبایی در مورد پسرانشان به کار می‌برند. مثلاً وقتی او لباس جدیدش را می‌پوشد به او می‌گویند: «پسر، تو واقعاً خوش تیپ هستی.» یا وقتی کاری را در خانه خیلی خوب انجام می‌دهد به او می‌گویند: «دختری که با تو ازدواج خواهد کرد، چقدر خوشبخت است.»

### تطابق مادری کردن با رشد بچه‌ها

همچنان که پسری از یک نوزاد بی‌دفاع به یک نوجوان بلند قد تبدیل می‌شود، سبک تربیتی شما نیز باید با او وفق پیدا کند. در ابتدا شما «رئیس» هستید و نظارت دائمی بر او دارید. در سال‌های مدرسه، آموزش می‌دهید، مراقب هستید و محدودیت‌ها را تعیین می‌کنید. بعدها به یک مشاور و دوست تبدیل می‌شوید و این در حالی است که او مسیر خود را پیدا می‌کند. به مرور مسئولیت و آزادی بیشتری به او بدهید. همه این مسائل به موقعیت‌شناسی شما بستگی دارد.

### سال‌های دبستان

در سال‌های دبستان کمک‌ها و راهنمایی‌های ملایمی صورت می‌گیرد. مادران مراقب فعالیت‌های پسران هستند که در معرض خطر قرار نگیرند یا رفتار غیرمتعادلی نداشته باشند. مادران برای تماشای تلویزیون یا استفاده از کامپیوتر محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کنند تا پسرها بیرون بروند و کمی ورزش کنند. پسران را تشویق کنید تا دوستانش را به خانه دعوت کند، با آنها مهربان باشد و گفتگو کند. نظراتشان را درباره مدرسه و زندگی‌شان جویا شوید.

هنگامی که فرزندان به خانه دوستی می‌رود، مراقب باشید و بررسی کنید که چه کسانی آنجا بوده‌اند. آیا کسی به خوبی از آنها مراقبت می‌کند؟ اگر کسی مراقب پسرها در این سن نباشد، ممکن است برای خود دردسرهای جدی درست کنند. نباید پسرهای کوچکتر از ده سال را برای مدتی طولانی در خانه تنها گذاشت.

## در دبیرستان

زندگی با یک پسر دبیرستانی نوعی مبادله منصفانه است: «اگر اینجا به من کمک کنی، تو را با اتومبیل به آنجا خواهیم برد.» «اگر تو نظافت کنی، من آشپزی می‌کنم.» پسر احتمالاً در این سن، بیش از پیش از فعالیت‌هایش و از شما فاصله می‌گیرد. اما شما رفتار دوستانه خود را ادامه دهید و در دسترس او باشید تا باز هم با هم گفتگو کنید.

مراقب باشید که همچنان اوقات خاص دو نفری با هم داشته باشید. مثلاً هنگام خرید چند دقیقه‌ای در فروشگاه برای یک نوشیدنی و کمی صحبت صبر کنید. با هم به سینما بروید و بعد از آن زمانی را صرف صحبت کنید.

برخی پسرها حتی در این سن دوست دارند که آنها را در آغوش بگیرید، اما برخی دیگر اصلاً از این کار خوششان نمی‌آید. راه‌هایی را برای ابراز عشق و علاقه به او پیدا کنید که به خواسته‌های او نیز احترام گذاشته باشید. شاید مجبور باشید در مورد مسائل مدرسه یا ورزش موضع بگیرید و بخواهید بیش از اندازه بر زندگی فرزندان غلبه داشته باشید.

در اواخر دبیرستان و تحت فشارهای آزمون‌های مختلف، به پسران کمک کنید که مطالعه کنند، اما موقعیتی را به وجود آورید که این تنها معنی زندگی نیست و لذت بردن و شاد بودن نیز اهمیت دارد. به او بگویید که ارزش او با نتایج امتحاناتش برآورد نمی‌شود.

نوعی رقابت دیوانه وار در مورد آزمون‌های مهم و اصلی [در ایران کنکور دانشگاه‌ها] وجود دارد. این امر به معنی شکست یا موفقیت کامل یک سال از زندگی انسان تصور می‌شود. در اینجا می‌توانیم میانه‌رو باشیم. به بچه‌ها کمک کنیم که (به ویژه در سال آخر دبیرستان) نهایت تلاش خود را به کار گیرند، اما آن را متناسب با اهداف آینده خود داشته باشند و در عین حال از نظر اجتماعی و اخلاقی نیز رشد کنند.